

پرهیزهای قابل تأمل

معاشرت و همنشینی با مردمی که هدفشان در نیکوکاری و ادای تکالیف دینی، جلب عواطف دیگران و نفوذ در افکار این و آن است و در غیر این صورت اصولاً توجهی به وظایف انسانی و اطاعت اوامر الهی ندارند، بسیار مشکل است. همچنین انس با کسانی که برای آن که در قلوب صاحبان ثروت و قدرت نفوذ کنند و نزد آنان دارای قدر و منزلتی گردند، به هر کاری دست می زنند ذلت آفرین است! ... لذا سید بن طاووس، به فرزندش توصیه می کند که:

ای فرزند، ای محمد! و ای کسانی که از تبار من هستید! و ای دیگر مردمان از اهل من و ای برادران که این نوشته را خواهید خواند و امیدوارم خدای جلّ جلاله، هر مراقبتی که در نهان و آشکار اراده فرماید به شما بیاموزد، بدانید که: رفت و آمد و مأنوس بودن با مردم، بیماری و دردی سهمگین و کاری سخت است که انسان را از یاد خدای - جلّ جلاله - باز می دارد و امروز این دشواری به همان جا رسیده است که در زمان جاهلی جریان داشت؛^۱ در آن روزگار مردم از اشتغال به جلالت الهی غافل بودند و به بتان می پرداختند! پس ای فرزند چنان که توانی از رفت و آمد بسیار با مردم بپرهیز که من آزموده ام و دیده ام که رفت و آمد بسیار با مردم در دین مایه ی بیماری های خطرناک است.

از جمله گرفتاری های آن این است که به امر معروف و نهی از منکر گرفتار می آیی! پس اگر از سر راستی و ادای امانت به این کار پردازی و بر ضد بی عدالتی های مردم سخن بگویی به یقین همه دشمن تو گردند و همین سبب خواهد شد که تو را از توجه به خدا باز دارند و به جای آن که به یاد پروردگار جهانیان باشی به دشمنی با مردم مشغول خواهی شد، و اگر با آنان به چاپلوسی و نفاق و مدارا پردازی و آن ها را خوشحال کنی پس آنان در مقابل مولای تو، خدایان و الهه ی تو خواهند شد در این حال در پیشگاه الهی که تو را می بیند رسوا خواهی بود! چه او تو را می نگرد و می داند که در حضرت مقدس او به استهزاء پرداخته ای و به خلاف آن چه در دل داری تظاهر می کنی و بدین گونه

^۱ - سید بن طاووس متوفی سال ۶۶۴ هجری قمریست! او آن روز را چنین توصیف می کند!!!

^۲ - به نظر می رسد روشن باشد که: تذکرات مرحوم سید بن طاووس به معنی فرار از مسوولیت امر به معروف و یا بد دانستن حسن معاشرت با خلق خدا نیست، بلکه توجه به آسیب هائی است که بر معاشرت های بی حساب و کتاب مترتب است.

حرمت او را سبک می شماری و چنین می پنداری که آگاهی و نظر مردم بر حالات تو مهمتر است از نظر و آگاهی که حق تعالی درباره ی تو دارد!

سید بن طاووس که توجه بسیاری بر این آیه داشت: قُلْ إِن صَّلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛^۳ از آن رو که می خواست در هر حال و مقام، از یاد خدا دور نباشد، رفت و آمد با هم پایگان خود را نیز کنترل کرده بود، چنانچه خودش گوید: روزی یکی از علمای محترم به من گفت: به چه سبب همنشینی و گفتگوی با ما را ترک نموده ای؟! و حال آن که تو به برکت مجالست خود، ما را به سوی خدای جهانیان می خوانی و موجب تقرب ما به آستان پروردگار عالمیان خواهی شد؟ در جوابش مطلبی گفتم که خلاصه اش چنین است: اگر من خویشتن را چنان قوی و نیرومند می دانستم که هر وقت با شما آمیزش داشته و گفت و گو کنم در حال هم نشینی و سخن گفتن با یکدیگر، در دل و در ضمیر خود به مجالست و گفت و گوی با خداوند - جل جلاله - مشغول باشم و شما هم در اثر روی آوردن و توجه به طرف من به خداوند - جل جلاله - توجه داشته باشید در چنین موقعیتی می توانم هر وقت فرصت دست دهد با شما معاشرت نموده به گفت و گو پردازم، لکن ترس من آن است که اگر با شما به گفت و گو پردازم یا مجالست کنم، دلم گاهی از مهر شما انباشته گردد و از یاد خدا به کلی بی خبر و فارغ باشم و این حال در نظر من به منزله ی کفر به خداست^۴ و حال آن که در پیشگاه الهی قرار دارم؛ پس عقیده دارم اگر حق تعالی را از ربوبیت و ولایت برکنار دانم و به دوستی و مهرورزی با شما پردازم و قلب خویشتن را که نظرگاه حق تعالی و سرای اوست به شما ... واگذارم، کفر است.^۵

^۳ - (انعام-۱۶۲) بگو مسلماً نماز و عبادتم و زندگی کردن و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است.

^۴ - ظاهراً در این جا، تعبیر از کفر به معنی مصطلح آن نمی باشد و مقصود مراتبی از غفلت از وجود حق متعال است.

^۵ - با استفاده از کتاب فانوس، مرحوم سید بن طاووس